

## صندلی داغ

مهمان نشریه این شماره: جناب آقای دکتر ابراهیم اصغری کلجاهی، عضو هیئت علمی گروه زمینشناسی دانشگاه تبریز
پیش از این که مصاحبه را با دکتر کلجاهی شروع کنیم، ایشان از این برنامه و کارهای نشریه استقبال نمودند و ابراز خوشنودی فرمودند. ایشان خاطر نشان کردند:

« این برنامه ها بسیار با ارزش هستند و به مرور زمان ارزش این کارها بیشتر لمس می شود. مثلا ما الان اینجا یک عکسی از همکاران گروه زمین شناسی داریم که مال ۱۰ سال پیشه، تو این عکس بعضی از استادها هستن که الان دیگه با ما نیستند و عکس را که نگاه می‌کنیم خاطره شون تازه میشه. این مصاحبه هایی هم که شما انجام میدین مکتوب می‌شوند و به عنوان بخشی از تاریخچه گروه باقی می‌مانند، از این لحاظ این کار بسیار با ارزش است»

– آقای دکتر اگه اجازه بفرمایین مصاحبه رو شروع کنیم:

بلی بفرمایید

–از خودتان بگوئید:

من سال ۱۳۴۵ در روستای کلجاه از توابع اسکو به دنیا اومدم. به خاطر همین هم فامیل من پسوند کلجاهی دارد. البته در بیرون از دانشگاه مرا به اصغری می‌شناسند ولی اینجا برای تمایز از آقای دکتر اصغری مقدم، به من کلجاهی می‌گویند. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را کلجاه خواندم، دوره دبیرستان را اسکو رفتم و در سال۱۳۶۴ وارد دانشگاه تبریز شدم. سال ۱۳۶۸ لیسانس زمین شناسی محض را تموم کردم و بعد از خدمت سربازی در سال ۷۱ با رتبه یک وارد دوره فوق لیسانس زمین شناسی مهندسی دانشگاه تربیت مدرس شدم. البته اون موقع کنکور فوق لیسانس تشریحی بود. اون سالها یادمه که سالهای بعد از جنگ بود و کار گیر نبود و شاید بشه گفت یکی از دلایلی که موجب شد ادامه تحصیل بدم این بود که کار گیر نیاوردم (باخنده). تو اون فاصله، قبل از این که من ارشد قبول بشم یک سال با آزمایشگاه مکانیک خاک وزارت راه همکاری کردم. فوق لیسانسو بعد از سه سال با ۴۳ واحد تموم کردم. سال ۷۵ که من فارغ التحصیل شدم بلافاصله در دومین دوره کنکور دکترای زمین شناسی مهندسی شرکت کردم و بازم رتبه یک آوردم و در همان دانشگاه تربیت مدرس ادامه تحصیل دادم. حدود ۵ سال دوره دکتری طول کشید. البته در کنارش هم در یک شرکت مهندس مشاور کار می‌کردم. در طی دوره دکترا حدود هفت ماه برای تکمیل تحقیقات رساله دکتری انگلیس رفتم، دانشگاه دورهام. شهر دورهام در انگلیس یک شهر کوچک دانشگاهی هستش ولی یکی از ۱۰ دانشگاه برتر کشور انگلیس به حساب میاد که اونجا امکانات خوبی داشتن و من تونستم یک سری آزمایشات خاصی انجام بدم و با استاد مشاورم که آنجا دکتر Toil بود و الان هم پرفسور شدند، یکی از شخصیت‌های سرشناس علم ژئوتکنیک اروپا هست، کار کردیم و چند مقاله نوشتیم و بعد در سال ۱۳۸۱ فارغ التحصیل شدم.

چون بورسیه دانشگاه تبریز بودم از سال ۱۳۸۲ در گروه زمین شناسی دانشگاه تبریز مشغول بکار شدم و درسهای زمین شناسی مهندسی و مکانیک سنگ و مکانیک خاک و زمین شناسی زیست محیطی و محیط‌های رسوبی را برای دانشجویان کارشناسی و اخیراً هم برای دانشجویان ارشد زمین شناسی زیست محیطی یه سری درسهایی تدریس می‌کنم. اولین دانشجوی کارشناسی ارشد زمین شناسی زیست محیطی با راهنمایی اینجانب اخیرا با نمره ۲۰ فارغ التحصیل شدند. در طی ۱۰ سال گذشته بیش از ۴۰ پایان نامه کارشناسی ارشد را چه در دانشگاه تبریز و چه در سایر دانشگاهها راهنمایی کرده‌ام.

– سوابق کاریتون به غیر از دانشگاه ؟

بله، با توجه به اینکه رشته زمین شناسی مهندسی با پروژه های عمرانی در ارتباط است، طی سالهای گذشته از همون موقعی که فوق لیسانس را شروع کردم با چند شرکت مهندسین مشاور در انجام مطالعات زمین شناسی مهندسی و مطالعات ژئوتکنیک پروژه ها همکاری داشتم والان هم با برخی از این شرکتها ارتباط دارم و پروژه‌های خوبی هم انجام دادیم. در بیش از ۲۰۰ پروژه درگیر بودم از این بین چند پروژه خیلی مهمه از جمله خط ۲ متروی تبریز بود و چند پروژه سدسازی در آذربایجان شرقی انجام شده که مطالعات شو ما انجام دادیم، همچنین در فازهای ۱۲، ۱۳ عسلویه، در مطالعات زمین شناسی و ژئوتکنیکی آنها مشارکت داشتم و تجارب خوبی هم به دست آمده است. در بحث مطالعات محل و اصطلاحاً سایت اینوستگیشن تجارب خوبی حاصل شده و همچنین در بحث بهسازی خاک. چون در برخی نواحی که قراره پروژه ای روی اون بنا بشه، بستر مناسبی نداره و باید تقویت بشه که در این زمینه هم در چند پروژه مشارکت داشتم.

در چند تا از این پروژه ها با شرکتهای خارجی همکاری داشتم از جمله با یک شرکت چینی در پروژه کارخونه آلومینیم لامرد، با شرکتهای کره‌ای در فاز ۱۲ عسلویه، با شرکتی از اتریش در تونل سازی برای چند تونلی که در تهران کار شد و در پروژه فولاد کاوه بندرعباس با یک شرکتی از اسپانیا همکاری داشتم. دستاورد مهم این همکاری ها کسب تجربه بود و البته این هم ثابت شد در چنین پروژه هایی ما هم حرفی برای گفتن داریم و خارجیا معمولا از نظرات فنی که ما ارائه می کردیم، استقبال می کردند. سابق بر این اینطوری نبود و هر پروژه ای که خارجی ها حضور داشتند، مهندسان ایرانی شنونده بودن و اجرا کننده. ولی خوشبختانه ما الان به یه نقطه ای رسیدیم که دوش به دوش این مهندسین خارجی در مطالعات و طراحی ها پیش می رویم.

– چند مورد از موفقیت‌های علمی خودتان بگوئید:

موفقیت‌های علمی زیادی نمیشه گفت، من دوران دانش آموزی و دانشجویی فرد متوسطی بودم ولی اواخر یه خورده سرعت گرفتم و از نظر تحصیلی بهتر شدم و در دوره فوق لیسانس و دکترا در بین همکلاسی ها جز بهترینها بودم به نحوی که هم در کنکور ارشد و هم دکتری رتبه یک آوردم.

همچنین در خصوص تحقیقات علمی پایان نامه فوق لیسانسم را روی یه طرحی کارکردم که برای تهران بود، بحث ریزپهنه بندی لرزه‌ای جنوب تهران، یکی از طرحهای تحقیقاتی پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی بود و نتیجه تحقیق هم به صورت یک گزارش تحقیقاتی چاپ شد و کسانی هم که علاقه مند هستند می تونن از پژوهشگاه مذکور این گزارش را تهیه کنند. فکر کنم نشریه شماره ۹۴۶ باشه. به هر حال خیلی خوشحالم که پایان نامه ای کار شد که تنها محدود به کتابخانه دانشگاه نشد و در جای معتبری دیگری مثل پژوهشگاه زلزله شناسی چاپ شده و سالها یکی از رفرنسهای این موضوع برای دانشجویان بود.

رساله دکترا هم بر روی مشخصات مکانیکی آبرفتهای تهران کار کردم، اون را هم یکی از طرحهای تحقیقاتی مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن شد و در سال ۱۳۸۲ بعد از دفاع از رساله دکتری، به صورت نشریه ای چاپ شد و الان مورد استفاده خیلی از دانشگاهیان و مهندسین مشاور است. از این جهت باز خوشحالم که نتیجه پایان نامه فوق لیسانس و دکترا به وسیله مراکز تحقیقاتی چاپ شده است. تا کنون بیش از ۱۰۰ مقاله با استادنم و یا با دانشجویانم نوشته شده و در چند کنفرانس بین المللی داخلی و خارجی از جمله کنفرانسی که پارسال در ژاپن برگزار شد، شرکت کردم و چند تا هم مقاله توی ژورنالهای خارجی چاپ کردیم که تعدادشون زیاد نیست.

– عنوان پایان نامه ارشد و دکترا:

همان طوری که گفتم عنوان پایان نامه فوق لیسانسم ریزپهنه بندی ژئوتکنیک لرزه ای جنوب غرب تهران بود. بحث این بود که امواج زلزله که به لایه های خاک می رسند، این لایه ها گاهی این امواج رو تقویت می کنند و ما کاری که کردیم جنوب

تهران را از نظر محل‌هایی که قدرت زلزله را کم و یا زیاد می کنند را تعیین کردیم و به صورت نقشه پهنه بندی ارائه شد.

موضوع رساله دکترا هم یک موضوع مکانیک خاکی بود و بررسی اثر سیمانی شدن خاک بر مقاومت مکانیکی و پارامترهای تغییر شکل خاک درشت دانه تهران بود.

– اولین دوره تدریس؟

اولین تدریس من بر می گرده به سال ۸۱ که اومدم دانشگاه تبریز و درس آبهای زیرزمینی و مسایل ژئوتکنیک را برای دانشجویان ارشد آب شناسی به صورت حق التدریس شروع کردم . یکی از دانشجویان هم آقای دکتر ندیری بودند.

– ویژگی منحصر بفرد تون که همه شما را با اون می شناسن؟؟

نمی‌دونم شاید شما بهتر بدونید، چون معمولا دانشجویها برای استادا یه ویژگی هایی رو می شمرن و بعضاً اسم هایی هم می زارن ( با خنده ) ولی تا حدودی شنیدم که به برخورد خوب و دوستانه معروف هستم.

مصاحبه کننده : استاد شما همیشه خنده رو هستین

این نظر لطف شماست. و این که اهل مدارا هستم و اهل درگیری و دعوا با کسی نیستم شاید این مشخص‌ترین ویژگی من باشه.

مصاحبه کننده: استاد ما که شاگرد شما هستیم همیشه با شما احساس راحتی می‌کنیم.

اتفاقا دیشب هم که خونه پدرم بودم همین خواسته رو از من داشتن که با همه دانشجویان مهربان و رفیق باش چون همینا هستن که جامعه ما رو می سازن و اگه می‌خوای بزرگ بشی با احترام به دیگران، امکان پذیر است. حالا چه طرف مقابل دانشجوی باشه یا استاد یا هر قشر دیگر. با غرور و تکبر نمی‌شه رشد کرد.

– قبلا به زمین شناسی علاقه داشتید؟

تا حدودی. متاسفانه این مشکل بیش از ۹۰ درصد ما زمین شناسا هستش، چون بحث بازار کار و … هست که خیلی ها دوست دارن رشته‌هایی بخونن که پولساز باشه. من هم در وهله اول می‌خواستم رشته‌هایی مثل پزشکی یا داروسازی بخوانم. البته در سال ۶۴ اولین دوره پزشکی دانشگاه آزاد قبول شدم و خیلی دودل بودم که زمین شناسی بخونم یا پزشکی، ولی بالاخره زمین شناسی خواندم و از این بابت پشیمان نیستم. ولی چند تا از دوستانم که همکلاسیهای ترم اول زمین شناسی بودند اونا هم پزشکی دانشگاه آزاد قبول شدند و زمین شناسی را ول کردند و رفتند. اتفاقاً یکیشون آقای مهرداد احترامی بود که اون روز در تلویزیون دیدم که مورد روانپزشکی صحبت می‌کنه و فهمیدم که متخصص روانپزشکی شده است. بالاخره ایشون اومد تو تلویزیون و دیدیم یه کاره ای شده (با خنده). ایشالله یه روزی هم ما بریم در مورد یک موضوعی در تلویزیون صحبت کنیم (با خنده).

– اگه برگردین به گذشته پزشکی می‌خونین یا زمین شناسی؟

با فکر الانم زمین شناسی را انتخاب می‌کنم. باید بگم آدم وقتی رشته‌های غیرپزشکی می‌خونه و به دکتری آن می‌رسه خیلی سختی می‌کشه، باید چند بار کنکور بدهد، چند دفعه پایان نامه بنویسد. ولی در پزشکی آدم یک بار سختی می‌کشه و تکلیفش روشنه. بنابراین اگه بدونم زمین شناسی بخوانم و در نهایت در یک دانشگاه خوبی مثل دانشگاه تبریز مشغول می‌شوم حتما بازم زمین شناسی را انتخاب می‌کنم.

– به هوشتون از ۲۰ چند می‌دین ؟

هوش من معمولیه (با لبخند)، ۱۵–۱۶ بیشتر نمی‌دهم.

– بهترین کتابی که خوندین و بازه مطالعاتی غیر درس تون؟

الان کتابی که واقعا ازش لذت ببرم، کتابهای زمین شناسی مهندسی هستن. دوره راهنمایی و دبیرستان که بودم کتابهای علمی و گاهی کتابهای تخیلی مثل کتابهای ژول را می‌خوندم ولی الان فرصت نمی‌کنیم که مطالعه غیرتخصصی داشته باشیم. پارسال که مکه مشرف شدم یکی دو ماه تاریخ اسلام را می‌خواندم.

– علاقمندی های هنری و ورزشی؟

از موسیقی خیلی خوشم می‌آید ولی از نوازندگی و خوانندگی چیزی نمی‌دانم. والیبال را دوست دارم و قبل از دانشگاه هم عضو تیم دبیرستان بودم. پاسور خوبی بودم…

یادمه که همیشه بر سر اینکه من کدوم طرف باشم، بین آبشار زنها دعوا بود … ولی الان متاسفانه به دلیل مشغله کاری نمی‌رسم.

– تایم مطالعه آزادتون چقدره ؟

اگه منظورتون کتاب خواندن باشه که کمه ولی مطالعات اینترنتی در روز بیش از یک ساعت است.

– از خاطرات دوران دانشجویی برامون بگوئید

من حدود ۱۳ سال دانشجو بودم و خاطرات زیادی دارم، خاطره بدی که از دوران کارشناسی دارم، فوت آقای دکتر رزاق کریمی، استاد ژئوشیمی ما بود. از خاطره های خوب گردشهای علمی بود که با مرحوم دکتر خاضع می‌رفتیم. ده روز ما را گردش علمی زمین شناسی ایران برد، زنجان، قزوین، همدان، تهران، دماوند و … رفتیم. اون روزایی که با ایشون رفتیم برای من خیلی خاطره انگیز بود. ضمنا اولین کلاسی که در ۲۸ سال پیش در دانشگاه نشستم کلاس درس زمین شناسی عمومی بود که آقای دکتر کلاگری تدریس می‌کردند. الان هم افتخار این را دارم که همکار هستم.

– تعریفتون از بهترین دوست:

بهترین دوست بنظر من دوستی است که صادق باشه و دو رو نباشه. متاسفانه وضعیت فرهنگ جامعه مون به سمتی پیش رفته که با همدیگر ظاهرا خوبیم ولی در پشت سر یکدیگر جور دیگری هستیم.

– دو بیت از اشعار مورد علاقه تون؟

زیاد شعر بلد نیستم اما یک بیت از شهریار:
چالیش آدین گلنده– رحمت اوخونسون

سنه

– با شنیدن این کلمات چه چیزی به ذهنتون میاد

زندگی: سلامتی؛ حقوق ماهیانه: انتظار؛ زلزله: ترس؛ پایان نامه: استرس؛ عبدالکریم قریب: پدر زمین شناسی؛ شیفت: آرزوی دانشجو؛ خدا: بزرگ؛ دانشگاه تبریز: یک دانشگاه خوب

– بزرگترین خواسته شما توی زندگی؟ سلامتی خودم و خانواده

– دانشجوی خوب از دید شما؟؟ دانشجوی درس خوان و مودب، چون این دوتا لازمه یک دانشجو واقعی شدن هست.

– جایگاه زمین شناسی را تو ایران چطور می‌بینید؟ متاسفانه جایگاه زمین شناسی الان چندان تعریفی ندارد، بخصوص در پروژه های عمرانی. البته در برخی زمینه ها به خصوص نفت و معدن جایگاه نسبتا بهتری وجود دارد. به نظرم در آینده وضعیت کار بهتر می‌شود و برای زمین شناسان هم در حوزه های مختلف امکان فعالیت بیشتر می‌شود.

– در آخر توصیه تون واسه دانشجویها چیه؟ به دانشجویانی که وارد رشته زمین شناسی شده‌اند ولی علاقه کمتری نشان می‌دهند، توصیه می‌کنم که توجه کنند که این وضعیتی که هست در همه رشته‌ها کم و بیش وجود دارد. دوران جوانی بهترین دوران هست، بهتره که درسها را خوب بخونین و یه تخصص خوبی پیدا کنید، آن وقت حتما به یک جایی می‌رسید. بعضی ها این را که بعد از تحصیل کار نیست بهانه می‌کنن ولی هر کس تلاش کنه و صاحب مهارتی بشه حتماً خواهان هست چه در ایران و چه در خارج از کشور.

ولی کسی که دوران دانشجویی رو به بطالت بگذرونه، خب ضمن اینکه چیزی به دست نمیاره یه چیزی هم از دست داده. ولی شما امیدوار باشید و خوب بخونین که در آینده حتما فرصت های بهتری گیر همه میاد.

مصاحبه کننده: آقای دکتر خیلی متشکریم که وقتتونو در اختیار ما قرار دادین

خواهش می‌کنم، موفق باشید